



بررسی تضاد دیدگاه محمد بن عبدالوهاب با دیدگاه مفسران شاخص فریقین، در شرک‌پنداری تبرک به قبور صالحان (با تأکید بر آیات ۲۰ و ۱۹ سوره نجم)

مصطفی سنگل قلعه‌نوی*

چکیده

تبرک به قبور صالحان از جمله اموری است که از صدر اسلام در میان مسلمانان رایج بوده و مسلمانان به جهت بهره‌مندی از برکات مادی و معنوی، به قبور اولیاء‌الله تبرک می‌جویند؛ اما محمد بن عبدالوهاب (بینان‌گذار وهابیت)، با استناد به آیات شریفه ۲۰ و ۱۹ سوره مبارکه نجم، فتوا به شرک بودن تبرک داده است؛ وی حدیث «ذات انواط» را ذیل این آیات ذکر نموده و آن را دلیل بر شرک اصغر بودن تبرک می‌داند؛ در حالی که مفسران شاخص فریقین معتقدند، اولاً، این آیات درباره بت‌پرست‌هایی است که از بت‌ها استمداد می‌کردند؛ نه مسلمانانی که به قبور اولیاء‌الله تبرک می‌جویند؛ ثانیاً مفسران، روایت «ذات انواط» را ذیل آیات ۱۳۸ سوره اعراف و ۱۰۸ سوره بقره که مربوط به درخواست جواز پرستش اصنام از سوی بنی‌اسرائیل است، ذکر نموده‌اند؛ بنابراین روایت ذات انواط، ارتباطی با موضوع تبرک جستن مسلمانان به قبور اولیاء‌الله نداشته و نمی‌توان جهت اثبات عدم مشروعیت تبرک، به آن استناد کرد.
کلیدواژه‌ها: تبرک، محمد بن عبدالوهاب، شرک، حدیث ذات انواط.

مقدمه

تبرک به قبور صالحان (اعم از انبیا و اولیا)، از جمله اموری است که از دیرباز در میان موحدان رایج بوده و مسلمانان نیز، به واسطه‌ی آثار برکت‌بخش آن، به قبور آنان تبرک می‌جویند؛ ولی با ظهور فرقه‌ی تکفیری وهابیت، تبرک به قبور صالحان توسط برخی از بزرگان این فرقه، مورد انکار قرار گرفت و مسلمانان را به این واسطه، مشرک خوانده و تکفیر کرده‌اند. محمد بن عبدالوهاب به‌عنوان رهبر و پیشوای وهابیت با استناد به آیات ﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ﴾، تبرک جستن مسلمانان به قبور صالحان را به رفتار بت‌پرست‌ها تشبیه کرده و آن را دلیل بر شرک بودن تبرک به قبور اولیاء‌الله دانسته است؛ لذا در این مقاله، درصدد بررسی تطبیقی دیدگاه محمد بن عبدالوهاب با مفسرین شاخص فریقین در مورد آیات ۲۰ و ۱۹ سوره نجم و بررسی صحت و سقم استناد وی، در شرک دانستن تبرک به این آیات هستیم.

تبیین محل نزاع

محمد بن عبدالوهاب طلب برکت از قبور اولیاء‌الله را با استناد به آیات ﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ﴾، جایز نمی‌داند. او معتقد است، مسلمانانی که از قبور صالحان تبرک می‌جویند، همانند مشرکانی هستند که بت‌هایشان را منشأ اثر می‌دانستند و برای اینکه از خیرات و برکات آنان بهره‌مند شوند، نزد آنها می‌رفتند. وی با تشبیه عمل مسلمین در تبرک به عمل مشرکین، معتقد است که مسلمانان زمان ما، همانند مشرکین در توحید ربوبی (توحید خالقیت)، موحد هستند؛ ولی در توحید الوهی (توحید عبادی)، مشرک هستند؛ سپس وی، حدیث «ذات انواط»^{۳،۲} را تفسیر این آیات می‌داند و با بیان

۱. «به من خبر دهید از بت‌های لات و عزی و منات که سومین آنها است.» (سوره نجم، آیات ۲۰-۱۹).

۲. «الأنواط، جمع النوط، است؛ به‌معنای سبدهای خرما و چیزهای آویخته شده؛ از آنجا که مشرکین به این درخت اسلحه و چیزهای دیگری آویزان می‌نمودند، به این درخت ذات انواط گفته می‌شد.» (حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۷۳).

۳. «عن أبي وافر قال: خرجنا مع رسول الله ص إلى حنين ونحن حدثاء عهد بكفر وللمشركين سدرة يعكفون عندها وبنوطون بها أسلحتهم يقال لها ذات أنواط قال: فمررنا بالسدرة فقلنا يا رسول الله اجعل لنا ذات أنواط كما لهم ذات أنواط فقال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - الله أكبر إنها السنن قلتمم والذي نفسي بيده كما قالت بنو إسرائيل...» (ترمذی، أبو عیسی، جامع الکبیر، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۷۵ ح ۲۱۸۰)؛ (ابن حنبل شیبانی، أحمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۱۸، ح ۲۱۹۴۷).

اینکه مسلمانان به جهت تبرک، از پیامبر ﷺ درخواست ذات انواطی کردند و ایشان به- جهت تشابه عمل آنان با قوم بنی اسرائیل که از حضرت موسی ﷺ درخواست عبادت غیرالله نمودند، آنان را مورد عتاب قرار داد؛ بنابراین تبرک نیز به دلیل اعتقاد به منشأ اثر بودن غیرالله، جایز نمی‌باشد.^۱

بررسی دیدگاه مفسران شاخص فریقین در تفسیر آیات ۲۰ و ۱۹ سوره نجم

به تصریح مفسرین شاخص اهل سنت، ابن جریر طبری (م ۳۱۰ق)،^۲ ابومنصور ماتریدی (م ۳۳۳ق)،^۳ محمد قرطبی (م ۶۷۱ق)،^۴ ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق)،^۵ شیخ سعید کندی اباضی (م ۱۲۰۷ق)،^۶ و مفسرین شاخص شیعه، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)،^۷ شیخ طبرسی

۱. «ودلیل أن التبرک بالأشجار والأحجار وبقبور الأولیاء والنذر والذبح لها لقضاء الحاجات وتقربج الكربات والتبرک بالعکوف والتعبید عندها والتبرک بأستارها وأثرهاها شرك قوله تعالى: ﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ - وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ﴾»؛ (ابن عبدالوهاب، محمد، اصول الفوائد الرابع، ص ۳۲)؛ «عن أبي واقد الليثي قال: "خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى حنين ونحن حدثاء عهد بكفر، وللمشركين سدرة يعكفون عندها وينوطون بها أسلحتهم يقال لها ذات أنواط..... فيه مسائل: الأولى: تفسير آية النجم الثانية: معرفة صورة الأمر الذي طلبوا...»؛ (ابن عبدالوهاب، محمد، كتاب التوحيد، ص ۳۴-۳۲).
۲. «...فكذلك سمي المشركون أوثانهم بأسماء الله تعالى ذكره، وتقدست أسماءهم، فقالوا من الله اللات، ومن العزيز العزى وزعموا أنهم بنات الله... أفرايتم أيها الزاعمون أن اللات والعزى ومناة الثالثة بنات الله لكم الذكركم يقول: أنتختارون لأنفسكم الذكركم من الأولاد، وتكرهون لها الأثني، وتجعلون له الأثني التي لا ترضونها لأنفسكم...»؛ (طبري، محمد بن جرير، جامع البيان في تأويل أي القرآن، ج ۲۷، ص ۳۶).
۳. «يخرج تأويل هذا القول على وجه... أهؤلاء الذين تعبدونهم من اللات والعزى ومناة أخبروكم، وقالوا لكم: إنه اصطفى لنفسه البنات ولكم البنين، وإن الملائكة بنات الله ونحوه و... التي سميتموها آلهة، وعبدتموها دون الله، ونسبتم البنات إليه والبنين إلى أنفسكم. و أمرتمكم بصرف شكر ما أنعم الله تعالى عليكم وقبول ما وهب لكم من البنات على ما أخبر أنهما من مواهب الله وبرد مواهبه ودفنها حيات ودسها في التراب وبصرف العبادة إلى غير المنعم وقسمة البنين لأنفسكم والبنات له.»؛ (ماتریدی، محمد بن محمد، تفسیر ماتریدی، ج ۴، ص ۵۵۴).
۴. «قوله تعالى: ﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ﴾. ومناة الثالثة الأخرى) لما ذكر الوحي إلى النبي ﷺ، ... وفي الآية حذف دل عليه الكلام، أي أفرايتم هذه الآلهة هل نفعت أو ضرت حتى تكون شركاء لله...»؛ (قرطبي، محمد بن أحمد، جامع لأحكام القرآن، ج ۱۷، ص ۹۹).
۵. «يقول تعالى مَقْرَعًا لِلْمُشْرِكِينَ فِي عِبَادَتِهِمُ الْأَصْنَامِ وَالْأَوْثَانَ، واتخاذهم البيوت لها مَضَاهَاةً لِلْكَعْبَةِ الَّتِي بَنَاهَا خَلِيلُ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَكَانَتِ اللَّاتُ صَخْرَةً بَيْضَاءَ مَنُقُوشَةً وَعَلَيْهَا بَيْتٌ بِالطَّائِفِ...»؛ (ابن كثير دمشقي، إسماعيل بن عمر، تفسير قرآن العظيم، ج ۷، ص ۴۵۲-۴۲۴).
۶. «أفرايتم - أيها المشركون - هذه الآلهة التي تعبدونها: اللات والعزى ومناة الثالثة الأخرى، هل نفعت أو ضرت حتى تكون شركاء لله؟»؛ (كندی سمدی نزوی، سعید بن أحمد، تفسیر المیسیر، ج ۳، ص ۲۷۹).
۷. «وقوله ﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى﴾ أسماء أصنام كانت العرب تعبدوها... أخبرونا عن هذه الآلهة التي تعبدونها وتعبدون معها الملائكة وترعون ان الملائكة بنات الله، والمعنى أخبرونا عن هذه الآلهة التي تدعونها من دون الله هل لها من هذه الآيات والصفات شيء؟»؛ (طوسی، محمد بن حسن، تبيان في تفسير القرآن، ج ۹، ص ۴۲۷).

(م ۵۴۸هـ)،^۱ سید محمد حسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ق)،^۲ آیت الله مکارم شیرازی^۳ و حاکم جُشمی زیدی (م ۴۹۴هـ)،^۴ موضوع این آیات، بت پرست‌هایی هستند که به پرستش «لات، عزی و منات» مشغول بودند. این مفسرین برخلاف دیدگاه محمد بن عبد الوهاب معتقدند، چون در آیات قبل، سخن از قدرت پروردگار عالم در نشان دادن آیات به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سخن از فرستادن وحی به آن حضرت است، به همین دلیل، خداوند مشرکان را نه به- دلیل تبرک کردن، بلکه به خاطر اینکه آنان، بت‌ها را شریکان خداوند متعال قرار داده‌اند، مورد عتاب و خطاب قرار داده و می‌فرماید: آیا معبودان شما نیز چنین قدرت‌هایی دارند و آیا آنان نیز به شما وحی می‌فرستند؟

محمد بن عبد الوهاب با هدف تشبیه مسلمانان به مشرکان و بت پرستان، ادعا می‌کند که مشرکان در حوزه ربوبیت موحد بوده و تنها گناه آنان، شرک در الوهیت بوده است؛ اما مسلمانان زمان ما را به مشرکین و بت پرست‌های زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تشبیه کرده،^۵ که صحیح نیست؛ زیرا طبق آیات صریح قرآن (مانند آیه ۵ سوره ص و آیه ۲۸ سوره روم)،^۶ بت پرست‌های زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، توحید ربوبیت و توحید عبادی و سایر مراتب توحید

۱. «... أي أخبرونا عن هذه الألهة التي تعبدونها من دون الله، وتعبدون معها الملائكة، وتزعمون أن الملائكة بنات الله. والأخرى نعت لها أيضا. ومعنى الآية: أخبروني عن هذه الأصنام، هل ضرت، أو نفعت، أو فعلت ما يوجب أن تعدل بالله؟!...» (طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۳، ص ۴۵۲)؛ (همان، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۹، ص ۲۹۳).
۲. «لما سجل في الآيات السابقة صدق النبي صلى الله عليه وآله وأنه وحى يوحى إليه وترتب عليه حقية النبوة المبينة على التوحيد ونفي الشركاء...» (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۳۸).
۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۲۳.
۴. «لما بين تعالى ما رأى من الآيات الدالة على توحيدهِ وعَدلِهِ، عقبه بالحجاج مع من وصفه بالشريك ردا عليهم، فقال سبحانه: «أفرأيت، قيل: تقدير الآية: أفرأيت أيها الزاعمون أن اللات والعزى ومناة بنات الله...»؛ (بيهقي جشمي، محسن بن محمد، التهذيب في تفسير القرآن، ج ۹، ص ۴۹۰-۴۸۷).
۵. ابن عبد الوهاب، محمد، كشف الشبهات، ص ۳-۵.
۶. «أَجْعَلُ الْإِلَهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ». «آیا او چندین خدای ما را منحصر به یک خدا کرده (و به معبود یگانه دعوت می‌کند)؟ این بسیار تعجب‌آور و حیرت‌انگیز است»؛ (سوره ص، آیه ۵)؛ «صَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»؛ «خدا و وضع و حال خودتان را برای شما مثلی زده است، آیا از بردگانتان در آنچه از نعمت‌ها و ثروت‌ها به شما روزی داده‌ایم. شریکانی دارید که شما در آن (نعمت‌ها و ثروت‌ها) با هم برابر و یکسان باشید، و همان‌گونه که از یکدیگر می‌ترسید (که یکی از شما نعمت و ثروت مشترک را ویژه خود کند) از بردگانتان هم بترسید؟ (بی‌تردید در میان آزاد و برده و مولا و عبد و مالک و مملوک چنین شرکی وجود ندارد؛ پس چگونه ممکن است مملوک خدا در خدایی، ربوبیت، خالقیت و مالکیت شریک او باشد؟!؛ این‌گونه آیات خود را برای مردمی که تغفل می‌کنند، بیان می‌کنیم»؛ (سوره روم، آیه ۲۸).

را قبول نداشتند.^۱ برخی نیز نه تنها الله تعالی را قبول نداشتند، بلکه مانند فرعون، ادعای خدایی نیز داشتند؛^۲ همچنین امام مفسرین اهل تسنن، طبری (م ۳۱۰ق)، در ذیل آیه ۱۴ سوره انعام،^۳ می‌نویسد: خداوند متعال به حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: ای محمد ﷺ، به آن مشرکانی که اوئان و اصنام را معادل و همتای پروردگارشان قرار داده‌اند و توحید خالص تو را انکار می‌کنند و به عبادت آلّهه و اوئان دعوت می‌کنند، بگو: آیا چیزی غیر از خداوند متعال را ولی و یاور بگیرم و از آن طلب کمک و یاری در سختی‌ها و مصیبت‌ها کنم؛ سپس طبری می‌نویسد: همچنین محمد بن حسین از احمد بن مفضل از اسباط از سدی نقل کرده است که در خصوص آیه بگو: آیا غیرالله را ولی و یاور گیرم؛ سپس گفته است: اما "الولی" کسی است که او را به ولایت می‌گیرند و از او نصرت و یاری می‌طلبند؛ لذا برایش اقرار به ربوبیت می‌کنند؛^۴ بنابراین مشرکین، طبق آیات صریح قرآن برای اولیای خودشان شئون ربوبی و الوهی قائل بودند؛ لذا آنها را عبادت می‌کردند؛ اما مسلمانان در تبرک جستن به قبور اولیاءالله، هیچ‌گونه استقلال و شأن ربوبی و الوهی برای آنان قائل نیستند و هرگز قصد عبادت ندارند و قصدشان از تبرک، طلب خیر الهی است و اولیای خدا را بندگان خدا می‌دانند که بدون اذن و اراده خدا، هیچ قدرتی ندارند.

همچنین برخلاف ادعای محمد بن عبدالوهاب، بر اساس قاعده «العبرة فی المعانی لا فی الألفاظ»، ملاک ارزیابی هر چیز، قصد و نیت انجام آن است؛ نه لفظی که درباره

۱. «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُبْصَرُونَ»؛ «آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند، به این امید که یاری شوند»؛ (سوره یس، آیه ۷۵-۷۴)؛ «وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُجِبُونَهُمْ كُحُوبَ اللَّهِ»؛ «برخی از مردم معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آنها را مانند خدا دوست می‌دارند»؛ (سوره بقره، آیه ۱۶۵).
۲. «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ»؛ «فرعون گفت که رب العالمین چیست؟»؛ (سوره نازعات، آیه ۲۴)؛ «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»؛ (سوره شعراء، آیه ۲۳).
۳. «قُلْ أَغْيَبُ اللَّهُ أَنْخِدًا وَلَيْتًا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا يُطْعَمُ»؛ «بگو: آیا غیرالله را ولی و یاور گیرم؟ (پروردگاری که پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است. اوست که روزی می‌دهد و به او روزی نمی‌دهند»؛ (سوره انعام، آیه ۱۴).
۴. «يقول تعالى ذكره لنبية محمد صلى الله عليه وسلم: "قل"، يا محمد، لهؤلاء المشركين العادلين برهمن الأوثان والأصنام، والمنكرين عليك إخلاص التوحيد لربك، الداعين إلى عبادة الألهة والأوثان...أتخذ وليًا، أستنصره وأستعينه على النوائب والحوادث، كما: حدثني محمد بن الحسين قال، حدثنا أحمد بن المفضل قال، حدثنا أسباط، عن السدي: "قل أغير الله اتخذ وليًا"، قال: أما الولي، فالذي يتولونه ويقرون له بالربوبية»؛ (طبری، محمد بن جرير، جامع البيان في تأويل القرآن، ج ۱۱، ص ۲۸۲)

آن به کار می‌رود که مورد توجه و هابیت است؛^۱ در واقع باید قصد و معنای قلبی شخص از انجام عمل را ملاک قرار داد و نمی‌توان کسی را به صرف انجام یک عمل، مشرک نامید. علاوه بر اشکالات ذکر شده، عملکرد و سیره سلف صالح (صحابه و تابعین)، دلیل بر جواز تبرک به قبور و آثار اولیاء الله است؛ به‌عنوان نمونه و مصداق نیز می‌توان به «تبرک جستن ابویوب انصاری از قبر پیامبر اکرم ﷺ اشاره کرد که احمد بن حنبل و حاکم نیشابوری در احوالات ابویوب انصاری نقل می‌کنند و می‌گویند: روزی مروان دید که شخصی صورتش را بر قبر پیامبر ﷺ گذاشته است؛ پس گفت: آیا می‌دانی چه کاری را انجام می‌دهی؟ نزدیک آمد و دید که آن شخص ابویوب انصاری است. ابویوب گفت: بلی من آمده‌ام پیش رسول خدا ﷺ و پیش سنگ نیامده‌ام. از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: برای دین گریه نکنید؛ زمانی که افراد شایسته حاکم باشند؛ ولی زمانی گریه کنید که ناهلان حکومت می‌کنند. حاکم، این روایت را تصحیح کرده است؛ چنانچه ذهبی هم در تلخیص، این روایت را صحیح می‌داند.^۲ سمهودی، صالحی شامی، مناوی و احمد زین (محقق مسند) هم، این روایت را تصحیح کرده‌اند؛^۳ نمونه‌ای دیگر، تبرک جستن مسلمانان به قبر حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است که این اثر در این باره می‌نویسد: هنگامی که علی بن ابی‌طالب علیه السلام شهید شد، به قبر ایشان تبرک می‌جویند.^۴ مصداق بعدی، تبرک مسلمانان اهل سنت به قبر محمد بن اسماعیل بخاری (صاحب صحیح بخاری)، است که محمد ذهبی در این باره می‌نویسد: هنگامی که بخاری را دفن کردند، مردم خاک قبرش را به‌جهت تبرک برمی‌داشتند؛ تا حدی که جنازه‌اش آشکار شد و

۱. فوزان، صالح بن فوزان، إغاثة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲. «ابن حنبل شیبانی، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، ج ۳۸، ص ۵۵۸»؛ «حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۶۰».

۳. «لا تبکوا علی الدین اذا ولیه أهله ولکن ابکوا علیہ اذا ولیه غیر أهله؛ وَلَهَذَا كَانَ الْعُلَمَاءُ یغارون علی ذقیق العلم أن یدوه لغیر أهله؛ حم ك عن أبي أيوب؛ الانصاري واسناده حسن»؛ (سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ج ۴، ص ۱۸۴)؛ (صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد، فی سیرة خیر العباد، ج ۱۲، ص ۳۹۸)؛ (مناوی، زین‌الدین محمد، التیسیر بشرح الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۸۹)؛ (ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۴۲، ح ۲۳۴۷۶).

۴. «وَلَمَّا قُتِلَ دُفِنَ عِنْدَ مَسْجِدِ الْجَمَاعَةِ، وَقِيلَ: فِي الْقَصْرِ، وَقِيلَ غَيْرُ ذَلِكَ، وَالْأَصْحَحُ أَنَّ قَبْرَهُ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي يُزَارُ وَيُتَبَرَّكُ بِهِ»؛ (ابن اثیر، علی بن ابی‌الکریم، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۷۴۶).

با نگرهبانان نیز نمی‌توانستیم از قبرش محافظت کنیم. برای همین مجبور شدیم بر دور قبرش نرده‌هایی با چوب قرار دهیم تا کسی نتواند به قبر برسد و مردم خاک دور قبر را برمی‌داشتند و نمی‌توانستند به خود قبر برسند.^۱

بررسی حدیث «ذات انواط»

بررسی و نقد

در متن حدیث آمده: سنان بن ابی‌سنان از ابو‌واقد لیثی روایت می‌کند، با پیامبر اسلام ﷺ از مکه به سوی حنین رهسپار بودیم. در راه از کنار درخت سدري که به آن ذات انواط می‌گفتند گذشتیم و مشاهده کردیم که کافران، اسلحه‌هایشان را به درختی که نزد آن معتکف بودند، آویزان نموده‌اند. به پیامبر ﷺ گفتیم: برای ما ذات انواطی همانند آنان قرار بده. رسول خدا ﷺ فرمود: الله اکبر! به کسی که جانم در دست اوست، به زبان جاری کردید مثل آن چیزی را که قوم حضرت موسی علیه السلام گفتند: ﴿اجعل لنا الها کما لهم آلهه قال انکم قوم تجهلون﴾.^۲

دلالت حدیث: مفسرین شاخص اهل سنت مانند ابن جریر طبری (م ۳۱۰ق)،^۳ محمد قرطبی (م ۶۷۱ق)،^۴ ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق)،^۵ و مفسرین شاخص شیعی مانند شیخ

۱. «واما التراب، فانهم كانوا يرفعون عن القبر، حتى ظهر القبر، ولم يكن يقدر على حفظ القبر بالحراس، وغلبننا على أنفسنا فنصبنا على القبر خشباً مشبكاً، لم يكن أحد يقدر على الوصول إلى القبر»؛ (ذهبی شافعی، شمس‌الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۶۷).

۲. «عن أبي واقد الليثي: أنهم خرجوا عن مكة مع رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى حنين، قال: وكان للكفار سدرة يعكفون عندها، ويعلقون بها أسلحتهم، يقال لها: ذات انواط، فقلنا: يا رسول الله، اجعل لنا ذات انواط...»؛ (ترمذی، أبو عیسی، الجامع الكبير - سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۷۵، ح ۲۱۸۰)؛ (ابن حنبل شیبانی، أحمد، مسند احمدین حنبل، ج ۵، ص ۲۱۸، ح ۲۱۹۴۷).

۳. «اجعل لنا يا موسى إلهاء، مثالا لعبده و صنما تتخذة إلهاء، كما لهؤلاء القوم أصنام يعبدونها، و لا تنبغي العبادة لشيء سوى الله الواحد القهار. و قال موسى صلوات الله عليه: إنكم أيها القوم قوم تجهلون عظمة الله و واجب حقه عليكم...»؛ (طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۳، ص ۸۱).

۴. «قال قتادة: كان أولئك القوم من لحم، وكانوا نزولا بالرقعة وقيل: كانت أصنامهم تماثيل بقر؛ ولهذا أخرج لهم السامري عجلا. ﴿قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ نظيره قول جهال الأعراب...»؛ (قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۷، ص ۲۷۳).

۵. «... أَنَّهُمْ خَرَجُوا مِنْ مَكَّةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى حُنَيْنٍ قَالَ وَكَانَ لِلْكَفَّارِ سِدْرَةٌ يَعْكُفُونَ عِنْدَهَا وَيُعَلِّقُونَ بِهَا أَسْلِحَتَهُمْ يُقَالُ لَهَا ذَاتُ أَنْوَاطٍ قَالَ: فَمَرَرْنَا بِسِدْرَةِ حَضْرَاءَ عَظِيمَةٍ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اجْعَلْ لَنَا ذَاتَ أَنْوَاطٍ كَمَا لَهُمْ ذَاتُ أَنْوَاطٍ»؛ (ابن کثیر دمشقی، إسماعیل بن عمر، تفسير قرآن العظيم، ج ۳، ص ۴۱۹).

طوسی (م ۴۶۰ق)،^۱ شیخ طبرسی (م ۵۴۸ق)،^۲ سید محمدحسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ق)،^۳ و آیت الله مکارم شیرازی^۴ برخلاف دیدگاه محمد بن عبد الوهاب، حدیث ذات انواط را ذیل آیات ۱۳۸ سوره اعراف^۵ و ۱۰۸ سوره بقره^۶ ذکر نموده‌اند؛ نه در ذیل آیات ۲۰ و ۱۹ سوره نجم؛ آنها معتقدند این حدیث درباره مشرکین و گروهی از مسلمانان ضعیف‌الایمان است که تقاضایی مانند تقاضای بنی اسرائیل از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشتند. بنابراین طبق بیان مفسرین، چند نکته در حدیث ذات انواط بر رد دیدگاه محمد بن عبد الوهاب وجود دارد؛ اولاً، دلیل نهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از درخواست مسلمانان برای ذات انواط، عبادت غیرالله بوده، نه تبرک به درخت مذکور؛ زیرا اگر مسلمانان واقعا برای تبرک، ذات انواط طلب کردند و نه برای عبادت، معنا نداشت آن حضرت درخواست آنان را به درخواست بنی اسرائیل تشبیه کند؟ مگر بنی اسرائیل از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام درخواست تبرک داشتند؟ بنابراین از آنجا که تشابهی میان تبرک و عبادت غیرالله وجود ندارد، نمی‌توان روایت را بر طلب تبرک حمل نمود و باید گفت، آنان برای عبادت از حضرت

۱. «وقال ابوعلی: روی ان النبی (صلی الله علیه وآله) سألہ قومه ان يجعل لهم ذات أنواط كما كان للمشرکین ذات انواط وهي شجرة كانوا يعبدونها، ويعقلون عليها التمر، وغيره من المأكولات. كما سألو موسى ﴿اجعل لنا إلهاً كما لهم إلهة﴾؛ ومعنى "أم" في قوله: "أم تريدون" التوبيخ وإن كان لفظها لفظ الاستفهام كقوله تعالى كيف تكفرون بالله؛ (طوسی، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۴۰۲).

۲. «روی أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، سألہ قوم أن يجعل لهم ذات أنواط كما كان للمشرکین ذات انواط، وهي شجرة كانوا يعبدونها، ويعلقون عليها التمر وغيره من المأكولات، كما سألو موسى عليه السلام، (اجعل لنا إلهاً كما لهم إلهة)»؛ (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۳۴۵).

۳. «في الدر المنثور: يا رسول الله اجعل لنا هذه ذات أنواط - كما كان للكفار ذات أنواط، وكان الكفار ينوطون سلاحهم بسدره ويعكفون حولها. فقال النبي صلى الله عليه وآله: الله أكبر هذا كما قالت بنو إسرائيل لموسى: اجعل لنا إلهاً كما لهم إلهة إنكم تركبون سنن الذين قبلكم»؛ (طباطبایی، سید محمدحسین، تفسير الميزان، ج ۸، ص ۲۵۴).

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، ج ۱، ص ۴۵۴.

۵. ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾؛ (و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. در این هنگام، به موسی عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند! گفت: شما جمعیتی جاهل و نادانید؛ (سوره اعراف، آیه ۱۳۸).

۶. ﴿أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلِ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾؛ «آیا می‌خواهید از پیامبر خود، همان تقاضای (نامعقولی را) بکنید که پیش از این، از موسی عَلَيْهِ السَّلَام کردند؟! (و با این بهانه‌جویی‌ها، از ایمان آوردن سر باز زدند.) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است.»؛ (سوره بقره، آیه ۱۰۸).

رسول ﷺ درخواست ذات انواط کردند؛ ثانیاً، اگرچه مسلمانان درخواست عبادت غیرالله کردند، ولی پیامبر اکرم ﷺ آنها را تکفیر نکرد؛ چراکه آنان به خاطر جهالت، عبادت ذات انواط را منافی با عبادت الله نمی دانستند و به جهت تقرب به الله، به دنبال عبادت غیرالله رفتند؛ ولی محمد بن عبدالوهاب و پیروان وی، اگرچه به ظاهر، عذر به جهل را از موانع تکفیر می دانند، ولی در مقام عمل به آن پایبند نیستند و مسلمانان را به-جهت تبرک جستن به قبور اولیاءالله، تکفیر می کنند؛ ثالثاً، محمد بن عبدالوهاب با ذکر حدیث ذات انواط در تفسیر آیه ۲۰ و ۱۹ سوره نجم، تلاش کرده است، هرگونه تبرک به قبور صالحان را ممنوع اعلام کند؛ اما طبق تصریح مفسرین، صحابه، نه به قصد تبرک، بلکه به قصد عبادت، از رسول خدا ﷺ درخواست ذات انواط نموده بودند؛ لذا به همین دلیل مفسران شاخص فریقین، حدیث ذات انواط را در ذیل آیات ۱۳۸ سوره اعراف و ۱۰۸ سوره بقره بیان نمودند؛ ولی در عین حال، مسلمانان را به خاطر جهالت آنان نسبت به این مسئله، متهم به شرک نکردند.

نتیجه

محمد بن عبدالوهاب با استناد به آیات شریفه ۲۰ و ۱۹ سوره مبارکه نجم، تبرک به قبور اولیاءالله را شرک دانسته و حدیث ذات انواط را تفسیر این آیات می داند؛ در حالی که مفسرین شاخص فریقین، این آیات را در مورد بت پرست‌هایی می دانند که بت‌ها را می-پرستیدند و شأنی مستقل برای آنان قائل بودند. این مفسرین حدیث ذات انواط را برخلاف محمد بن عبدالوهاب، تفسیر آیات ۱۳۸ سوره اعراف و ۱۰۸ سوره بقره که درخواست عبادت غیرالله از سوی بنی اسرائیل بوده دانسته‌اند؛ همچنین پیامبر ﷺ این عمل مسلمانان که درخواست عبادت غیرالله بود را حمل بر جهالت آنان کرده و حکم به مشرک بودن آنان نکرده‌اند؛ پس در نتیجه، دیدگاه محمد بن عبدالوهاب در تفسیر این آیات شاذ بوده و برخلاف دیدگاه مفسرین شاخص فریقین است.

منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن اثير، على بن ابي الكرم، **كامل في التاريخ**، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دارالكتاب العربي، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٣. ابن حنبل شيباني، أحمد بن محمد، **مسند احمد بن حنبل**، محقق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، وآخرون، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٤. ابن عبدالوهاب، محمد، **أصول الدين الإسلامي مع قواعده الأربع**، محقق: محمد طيب بن إسحاق أنصاري، مكة: دارالحديث الخيرية، بی تا.
٥. ابن عبدالوهاب، محمد، **كشف الشبهات**، تحقيق: ناصر بن عبدالله الطريم، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٦. ابن عبدالوهاب، محمد، **كتاب التوحيد**، محقق: عبدالعزيز بن عبدالرحمن سعيد، رياض: جامعة أمم محمد بن سعود، بی تا.
٧. ابن كثير دمشقي، إسماعيل بن عمرو، **تفسير قرآن العظيم**، محقق: محمدحسين شمس الدين بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٨. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت: دارصادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.
٩. بيهقي جشمي، محسن بن محمد، **تهذيب في تفسير القرآن**، تحقيق: عبدالرحمن بن سليمان سالمی، قاهره، بيروت: دارالكتاب المصري، دار الكتاب اللبناني، ١٤٣٩-١٤٤٠ق.
١٠. ترمذی، محمد بن عيسى، **سنن الترمذی**، محقق: بشار عواد معروف مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ١٩٩٨م.
١١. حموی رومی بغدادی، ياقوت، **معجم البلدان**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
١٢. ذهبی شافعی، شمس الدين، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ هفتم، ١٤١٣ق.
١٣. سمهودی، على بن عبدالله، **وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى**، بيروت: دارالكتاب العلمي، چاپ اول، ١٤١٩ق.
١٤. صالحی شامی، محمد بن يوسف، **سبل الهدى والرشاد**، تحقيق وتعليق: شيخ عادل أحمد عبد الموجود، شيخ على محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٤ق.
١٥. طباطبائي، سيدمحمدحسين، **تفسير الميزان**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٣٧٨ش.
١٦. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، تحقيق: لجنة من العلماء و المحققين الأخصائيين، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ اول، ١٤١٥ق.

١٧. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تأویل القرآن**، تحقیق: أحمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
١٨. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه، قم: موسسه النشراسلامی، ١٤١٣ق.
١٩. فوزان، صالح بن فوزان، **إعانة المستفید بشرح کتاب التوحید**، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ١٤٢٣ق.
٢٠. قرطبی، محمد بن أحمد، **جامع لأحكام القرآن**، محقق: هشام سمیر البخاری، ریاض: دارعالم الكتب، ١٤٢٣ق.
٢١. کندی سمدی نزوی، سعید بن أحمد، **تفسیر المیسیر**، تحقیق: مصطفی بن محمد شریفی، محمد بن موسی باباعمی، بی‌جا: چاپ اول، ١٩٩٨م.
٢٢. ماتریدی، محمد بن محمد، **تفسیر ماتریدی**، محقق: مجدی باسلوم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ٢٠٠٥م.
٢٣. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ١٣٧٤ش.
٢٤. مناوی، زین‌الدین، **التیسیر بشرح الجامع الصغیر**، ریاض: مكتبة الإمام الشافعی، چاپ سوم، ١٤٠٨ق.
٢٥. مبیدی، احمد بن ابی‌سعد، **كشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ١٣٧١ش.

